

جایگاه ولایت فقیه در تقویت وزن ژئوپلیتیکی تشیع در منطقه خلیج فارس در راستای تداوم انقلاب

مهدی فریدونی معاون پژوهشی حوزه علمیه نخبگان شیراز (استاد راهنما)

داریوش موحدی فر طلبه پایه دوم حوزه تحصیل کردگان شیراز و دانشجوی دکتری ژئوپلیتیک

چکیده؛

وقوع انقلاب اسلامی ایران تحولی عظیم در سطح جهان بود، که نه تنها موجب از بین رفتن حکومت ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی و ایجاد تحولی اساسی در ایران شد، بلکه با پذیرش نظام جمهوری اسلامی از سمت مردم و قرار گرفتن رهبری تحت عنوان ولایت فقیه در رأس جامعه، تفاوت عمده خود را با انقلاب های مشابه به نمایش گذاشت. رهبران ایران در کسوت ولایت فقیه، نه تنها در تمام مراحل مبارزه و انقلاب پا به پای مردم جنگیدند و ایستادگی کردن بلکه پس از پیروزی انقلاب اسلامی با محوریت قرار دادن مردم در ژئوپلیتیک مقاومت موجب افزایش قدرت سخت و مخصوصاً قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، صدور آن به سایر کشورها و شکل گیری گفتمانی بر پایه ایدئولوژیک، انقلاب شیعی ایران شدند. مقاله پیش رو با روش توصیفی - تحلیل در پی پاسخ به این پرسش است که حضور ولایت فقیه در جامعه ایران تا چه اندازه توانسته است موجب ارتقاء وزن ژئوپلیتیکی ایران در منطقه شود؟ یافته های تحقیق نشان داد که حضور ولایت فقیه به عنوان رهبر دینی و سیاسی در ایران موجب تغییر در هویت شیعیان در منطقه خلیج فارس، ارتقاء ژئوپلیتیک تشیع و در نهایت موجب افزایش نقش مردم در حکومت ها و شکل گیری موج دوم و سوم بیداری اسلامی در منطقه، و موجبات افزایش وزن ژئوپلیتیک ایران را سبب شده است.

کلید واژه: انقلاب اسلامی، ولایت فقیه، ژئوپلیتیک، ژئوپلیتیک مقاومت

تحولات ژئوپلیتیکی نشان‌دهنده تغییرات گسترده در ساختارهای ژئوپلیتیکی است. برای شناخت این تحولات باید اندیشه‌ها و ایدئولوژی حاکم بر این تحولات را شناخت چراکه این اندیشه‌ها و ایدئولوژی‌ها هستند که موجب چنین تغییراتی خواهند شد. انقلاب‌ها یکی از فرایندهایی هستند که می‌توانند به صورت گسترده این اندیشه و ایدئولوژی را دچار تغییر کرده و تحولات ژئوپلیتیکی اساسی نه تنها در جامعه خود که در کل جهان ایجاد کنند. وقوع انقلاب اسلامی در منطقه خلیج فارس از جمله انقلاب‌هایی بود که با پشتوانه دین اسلام و محوریت ولایت فقیه توانست به پیروزی رسیده و نظم ژئوپلیتیکی این منطقه را به عنوان کشوری شیعه‌نشین به هم بریزد. با فروپاشی این سیستم تحلیلگران علوم اجتماعی و ژئوپلیتیک در راستای جلوگیری از حرکت گسترده این جریان به طراحی سیستمی جایگزین برای انقلاب پرداختند، چراکه تشکیل حکومتی شیعی با محوریت ولایت فقیه آن هم در منطقه خلیج فارس که اکثریت شیعیان جهان را در خود جای داده است موجب همگرایی شیعیان و افزایش قدرت و وزن ژئوپلیتیکی آن‌ها می‌شد. از این‌رو تحلیلگرانی همچون فولر و توال برای بیان اهمیت این انقلاب و همچنین جلوگیری از گسترش آن عنوان ژئوپلیتیک تشیع را بر آن نهادند و این مفهوم وارد ترمولوژی جغرافیای سیاسی شد (ضرغامی و همکاران، ۱۳۹۱: ص ۳). در واقع با پیروزی انقلاب اسلامی پتانسیل نهفته در مذهب تشیع شکوفا شد و این مذهب در کشور ایران به قدرت سیاسی دست پیدا کرد. کشوری که از یک‌سو به دلیل موقعیت منحصربه‌فرد جغرافیایی و ژئوپلیتیکی در جنوب غرب آسیا و داشتن ذخایر عظیم نفت و گاز و سوخت‌های فسیلی مورد توجه بسیاری از کشورهای دنیا بود. همچنین این انقلاب در کشوری که حدود ۹۰ درصد از جمعیت آن را شیعیان دوازده‌امامی که از نظر ایدئولوژیک معتقد به حکومت و رهبری ولایت فقیه بودند شکل گرفت (احمدی و همکاران، ۱۳۹۰: ص ۶). اما آنچه که این انقلاب را با سایر انقلاب‌های دنیا متمایز می‌کرد و موجب ترس دشمنان نسبت به آن شده بود وجود رهبری واحد در رأس جامعه بود که نه تنها حاکمیت دینی بلکه حاکمیت سیاسی را نیز در دست داشت و از این طریق با قدرت تمام ادامه حیات انقلاب را تضمین و ایدئولوژی موردنظر تشیع را به جهان صادر می‌کرد. آنچه که ما در این پژوهش به عنوان سوال اصلی تحقیق در پی بررسی آن می‌کشیم، تأثیرات تفکرات ولایت فقیه به عنوان رأس حکومت جمهوری اسلامی و تعیین‌کننده سیاست‌های کلی نظام در صدور ایدئولوژی تشیع در منطقه خلیج فارس و تأثیرپذیری سایر کشورهای این منطقه از این تفکرات می‌باشد؟ و متناسب با این سوال فرضیه زیر مطرح شده است؛ به نظر می‌رسد ولایت فقیه موجب تغییر در هویت شیعیان، افزایش وزن ژئوپلیتیک آنان و در نهایت حرکت مردمی ناشی از دو فرایند اول در منطقه شده است.

مبانی نظری

در این بخش در راستای راحت‌تر شدن فهم مطالب ارائه شده در این پژوهش، از کلمات کلیدی و دشوار این پژوهش توضیحی اجمالی ارائه می‌شود.

۱- ژئوپلیتیک

ژئوپلیتیک علم رقابت و گسترش حوزه نفوذ حکومت‌ها و کنشگران سیاسی است که درصدد کسب قدرت و تصرف ابزارها، اهرم‌ها و فرصت‌های جغرافیایی هستند که به آن‌ها امکان قدرت و چیرگی بر رقیب را می‌دهد. آن‌ها برای تصرف فرصت‌ها و مقدرات، در مکان و فضای جغرافیایی به رقابت پرداخته و سعی می‌کنند نفوذ خود را در فضای جغرافیایی بیشتر توسعه دهند و آن‌ها را به قلمرو اعمال اراده خود بیفزایند و برعکس رقبا را از فضای مورد منازعه برانند (حافظنیا و همکاران، ۱۳۹۱: ص ۳).

به عبارتی هرگاه از ژئوپلیتیک سخن به میان می‌آید در بیشتر موارد معنای آن تقابل قدرت در مورد یک سرزمین و انسان‌هایی است که ساکن آن هستند. در این تعارض نیروهای سیاسی هر طرف منازعه از ابزارهای مختلف و به طور خاص از بازنمایی‌های گوناگون استفاده می‌کنند تا ثابت نمایند که حق به جانب آن‌هاست و محق هستند تا سرزمین خاصی را تصرف کنند و یا در سیطره خود نگاه دارند و در مقابل ادعای رقیب، نامشروع است (میرحیدر و راستی، ۱۳۸۹: ۵).

۲- ژئوپلیتیک تشیع

اگر بخواهیم در رابطه‌ی با ژئوپلیتیک تشیع و تاریخ به وجود آمدن آن سخن بگوییم باید گفت این واژه از زمان پیروزی انقلاب اسلامی وارد ترمولوژی جغرافیای سیاسی شده است. در واقع پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و جنگ داخلی در لبنان تشیع را به عنوان عاملی مؤثر در خط مقدم صحنه بین‌المللی قرار داد (توال، ۱۳۷۶: ص ۱۲). در این رابطه فرانسوا توال معتد است ژئوپلیتیک داخلی، گستره و شدت تأثیرگذاری در جامعه شیعی بر مجموعه تحولات و سیاست‌های داخلی کشور است. و ژئوپلیتیک خارجی نیز عبارت است از قدرت تأثیرگذاری جامعه شیعی با محوریت ولایت فقیه بر تحولات و سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی. به نظر توال نیروی تشیع نه تنها بر رسالت مذهبی آن بلکه بر فلسفه معارضه با قدرتمندان و وفاداری بر سنت نبرد علیه بی‌عدالتی‌ها استوار است و این شعار جهانی برای رهایی تمام بشر نبردی را دنبال می‌کند که عالم‌گیر است. بنابراین وظیفه تمام دولت‌مردان جهان است که واقعیت تشیع را شناخته و درک کنند زیرا استقرار صلح در خاورمیانه و جهان بستگی به برخورد صحیح با این نیروی جدید بین‌المللی دارد که همان مذهب شیعی است. توال معتقد است مذهب شیعه

از ماهیت ژئوپلیتیکی بسیار بالایی برخوردار است که در حقیقت رفته‌رفته در کانون درگیری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی قرار خواهد گرفت چرا که شیعیان در مرکز حساس‌ترین منطقه جهان قرار گرفته‌اند و این مسئله چنان قدرتی به آنان داده است که می‌توانند جهان را دچار تغییر و دگرگونی کنند (افشردی و اکبری، ۱۳۹۲: ص ۶).

مارتین کرامر نیز در کتاب تشیع مقاومت و انقلاب مدعی است: در دوران معاصر، تشیع به رهبری ایران برخی از قوی‌ترین مفاهیم طغیان انقلابی را پدید آورده است. جنبش‌های شیعی، امروز استراتژی‌های سیاسی فوق‌العاده اصلی ابداع کرده‌اند که موجب حیرت دنیای اسلام و غرب شده است. این شیوه‌ها مخصوصاً در ایران با ایجاد رهبری واحد در رأس جامعه به نام ولی‌فقیه از عظیم‌ترین موفقیت‌ها برخوردار شده است، که نه تنها موجب تداوم حیات انقلاب شیعی این کشور شده بلکه الهام‌بخش سایر شیعیان در دنیای عرب و جنوب غرب آسیا نیز شده است. کمربندی از تشیع حیات اقتصادی، استراتژیکی و تاریخی اسلام را در بر گرفته و بخش‌های از پاکستان، لبنان، سوریه، عراق، افغانستان، عربستان، کویت، ایران، بحرین و هندوستان را شامل می‌شود. این کمربند در کشورهای مختلف به حداکثری و حداقلی تقسیم می‌شود و خود شامل دنیایی است که خود به حداکثر و حداقل تقسیم می‌شود و دارای چنان ایدئولوژی در درون خود به رهبری ایران هستند که می‌تواند جهان را دچار تحول اساسی کند و از مهم‌ترین ویژگی‌های آن نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری و ستمگری و ستم‌پذیری است (اخوان کاظمی و شاه قلعه، ۱۳۹۳: ص ۸).

۳- ایدئولوژی

ایدئولوژی از لحاظ سیاسی به مفهوم عقیده یا نظر سیاسی تعریف شده است. به بیان دقیق‌تر ایدئولوژی عبارت است از نظام فکری و عقیدتی که قابل اعمال بر واقعیت‌های خارجی باشد. در چارچوب سیاست خارجی، ایدئولوژی یک قالب ذهنی از لحاظ شیوه نگارش نسبت به جهان را فراهم می‌آورد و بالاخره این عنصر تشکیل دهنده قدرت، معیارها و ضوابط مشخصی است که در اختیار سیاست‌گذاران قرار می‌گیرد تا بر اساس آن چهارچوب هدف‌ها و منافع ملی خویش را ترسیم کنند (حلال‌خور و باباجان‌نژاد، ۱۳۹۰: ص ۲).

از سوی دیگر، ایدئولوژی در برگیرنده بینش‌های است که مبتنی بر نوعی هستی‌شناسی می‌باشد. اما نکته مهم این است که آیا ایدئولوژی در نظام‌های مختلف سیاسی به عنوان باور یا ابزار مورد استفاده قرار می‌گیرد؟ گروهی معتقد هستند که ایدئولوژی اگر در باور ملتی ریشه دوانده باشد دو ویژگی اساسی دارد نخست اینکه آنی و گذرا نیستند و پذیرش آن تمام وجود انسان را مسخر می‌کند، دوم اینکه زمینه فکر را مهیا می‌سازد که خود نحوه عمل و یا ترک عمل را معین سازد. اصولاً هر چقدر باورها ریشه‌دارتر و از درجه اهمیت بالایی برخوردار باشند لذا در مواقع

تغییر باورها، خوی و خصلت هیجانی مردم معتقد به آن باورها شدیدتر خواهد شد. اما گروهی دیگر معتقدند که ایدئولوژی در حقیقت به مثابه ابزاری در دست سیاست‌گذاران و دولت‌مردان است که از احساسات و عواطف مردم استفاده ابزاری می‌نمایند. برتراند راسل توسل به مسلک‌هایی همچون کمونیست را استفاده ابزاری از ایدئولوژی می‌داند و برعکس آن توسل به دین و مذهب را استفاده باورها جهت تحقق ایدئولوژی جهت تأمین منافع ملی و حفظ امنیت ملی می‌داند (ذکریان و حسن‌پور، ۱۳۸۸، ۹).

در نظام جمهوری اسلامی ایران نیز بدون شک ایدئولوژی یکی از عناصر تأثیرگذار بر سیاست‌گذاری خارجی می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران بر اساس ایدئولوژی اسلامی پایه‌ریزی شده است که مبتنی بر مفاهیمی همچون برتری مطلق توحید، اعتقاد به ذات خدایی مردم و گرایش مردم به سوی قدرت ایمان و ارزش‌های غیره مادی است. و انقلاب ایران در مقایسه با انقلاب فرانسه و روسیه از نگاه امام خمینی (ره) انقلابی سراسر معنوی است که می‌تواند از نظر ایدئولوژیک برای کل جهان عدالت اسلامی و سعادت به ارمغان آورد (اسپوزیتو، ۱۳۸۲: ص ۲۵).

۴- ژئوپلیتیک مقاومت

ژئوپلیتیک سنتی بر پایه مواضع قدرت و مزیت جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دولت‌ها و طبقه مسلط جوامع و نقش مؤثر سیاست‌مداران بنا شده است. در حالی که ژئوپلیتیک پسانوگرا و یا انتقادی می‌تواند تاریخ را از دید کسانی که درگیر مقاومت در برابر دولت‌ها و رفتار ژئوپلیتیک آن‌ها بوده‌اند تبیین نماید، مقاومت‌هایی که اقتدار طبقه‌ی مسلط را به چالش کشیده و به تعبیر روتلیج آن را ضد ژئوپلیتیک و یا ژئوپلیتیک از پایین می‌نامند (پیشگاهی فر و قدسی، ۱۳۸۹: ۱۷). در واقع ژئوپلیتیک انتقادی بر پیوند ژئوپلیتیک با جغرافیای رفتاری تأکید می‌کند ژئوپلیتیک انتقادی این وظیفه را بر عهده گرفته است که از یک طرف از تفاوت میان ارزش‌ها و اهداف رسمی جامعه و از سوی دیگر از واقعیت شیوه‌هایی که نهادها عملاً رفتار می‌کنند پرده بردارد. در همین میان پاول روتلیج موقعیت‌هایی که از درون جامعه تشکیل هویت‌های فرهنگی داده و با سلطه‌ی سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بیگانگان مقابله می‌کند را ژئوپلیتیک مقاومت نامیده است (پیشگاهی فر و قدسی، ۱۳۸۸: ۱۰).

موقعیت جغرافیایی ایران؛

۱- مختصات و موقعیت: کشور جمهوری اسلامی ایران بخشی وسیعی از فلات بزرگ ایران است که در جنوب غرب آسیا قرار گرفته است. مساحت کشور ایران با احتساب خشکی، جزایر، آب‌های داخلی و آب‌های انحصاری و اقتصادی برابر با ۱,۸۷۳,۹۵۹ کیلومترمربع بین ۲۴ دقیقه و ۲۵ درجه و ۴۶ دقیقه و ۳۹ درجه عرض شمالی و ۲ دقیقه و ۴۴ درجه تا ۱۸ دقیقه و ۶۳ درجه طول شرقی قرار گرفته است. این کشور از غرب و جنوب غربی به کشور

عراق، از شمال غرب به کشور ترکیه، از شمال به جمهوری آذربایجان و ترکمنستان، از شرق به افغانستان و از جنوب شرق به پاکستان محدود می‌شود. هم‌چنین ایران از طریق دریای خزر با کشورهای آذربایجان و ترکمنستان و از طریق خلیج فارس با کشورهای عراق، کویت، عربستان سعودی، بحرین، قطر، امارات متحده عربی، عمان و پاکستان دارای مرز دریای است (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۹۴).

۲- موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک: واقع شدن ایران در منطقه آسیای جنوب غربی، حائل بودن به سیاست دست‌یابی روسیه تزاری و هم‌چنین شوروی سابق به آب‌های گرم جهان، و عبور دو شاهراه حیاتی جهان، جاده ابریشم و جاده آدویه از این کشور که سبب درگیری و جنگ در قرن ۱۸ و ۱۹ برای تصاحب ایران به دلیل موقعیت استراتژیک آن شده بود از دلایل اهمیت این کشور محسوب می‌شود (بدری فر، ۱۳۷۶: ۳۰-۳۱).

علاوه بر مطالب ارائه شده ایران دارای شاخص‌های طبیعی فراوانی می‌باشد که بر اهمیت آن افزوده است ازجمله:

۱: پیوستگی موقعیت سرزمینی ایران به موقعیت بری اوراسیا که راهبرد اساسی استراتژیک مкінدر بود، و ایران را در مرکز توجهات بین‌المللی در دوران پس از جنگ جهانی دوم قرار می‌داد و با الهام از اندیشه‌های مкінدر ایران نقش دفاعی برای قدرت‌های بری و بحری پیدا می‌کرد (اطاعت، ۱۳۷۶: ۲۷).

۲: دومین ویژگی منحصربه‌فرد ایران، دارا بودن سواحل طولانی در خلیج فارس و دریای جنوب (عمان) است که این کشور را به آب‌های آزاد متصل می‌کند و به تعبیر اسپایکمن ژئوپلیسین معروف، ایران از موقعیت بحری نیز برخوردار است، داشتن چنین ویژگی مهمی ایران را نسبت به دیگر کشورهای همسایه و حتی منطقه جنوب غربی آسیا متمایز کرده است (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۹۵).

۳: سومین ویژگی ایران در اختیار داشتن تنگه استراتژیک هرمز و برخورداری از موقعیت گذرگاهی است که ایران را مسلط به بهترین گلوگاه اقتصادی و انرژی جهان گردانیده است (مرکز ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک تاریخ و جغرافیای خلیج فارس، ۱۳۹۶/۲/۱۹).

یافته‌های پژوهش

۱- تغییر هویت شیعیان در منطقه خلیج فارس؛

یکی از ویژگی‌های عمومی کشورهای حوزه خلیج فارس را باید در سنت‌گرایی و ترکیب آن با مؤلفه‌هایی از دین‌گرایی دانست. شهروندان حوزه جنوبی خلیج فارس، همانند بسیاری دیگر از گروه‌های اجتماعی، ملجأ و پناهگاه خود را در دین جست‌وجو می‌کنند. و بر اساس قالب‌ها و قواعد دینی، هویت می‌یابند و تجارب، عقاید و رویکردهای نظری خود را بر مبنای شاخص‌های دینی سازمان‌دهی می‌کنند.

امروزه روند دین‌گرایی نه‌تنها در بسیاری از کشورهای جهان گسترش یافته است؛ بلکه باید آن را به عنوان جلوه‌ای از هویت بازسازی شده گروه‌های پراکنده دانست. گروه‌هایی که طی دهه‌های گذشته در معرض هویت‌گرایی قرار گرفته‌اند، از ادبیات دینی به عنوان برنامه سیاسی خود استفاده کرده و در نتیجه، بین استراتژی و رفتار سیاسی با جلوه‌هایی از قواعد دینی پیوند ایجاد کرده‌اند. در بین جوامعی که هویت‌سازی خود را بر اساس قالب‌هایی از دین‌گرایی قرار داده‌اند، کشورهای خاورمیانه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است آن‌ها توانسته‌اند به گونه‌ای تدریجی موقعیت سیاسی، تمدنی و هویتی خود را از این طریق بازسازی کنند (توال، ۱۳۷۹: ص ۵).

اگرچه باری بوزان در مقاله خود با عنوان "الگوی جدید امنیتی جهان در قرن بیست یکم" بیان داشته است که جهان اسلام و تمدن سنتی کشورهای خاورمیانه تنها مجموعه‌ای محسوب می‌شود که از زمان افول امپراتوری عثمانی موفق به باز تأسیس خود نشده است؛ (سایت شیعه شناسی، ۱۳۹۶/۲/۲۸). اما واقعیت موجود بیانگر آن است که موج جدید اسلام‌گرایی عامل اصلی تحول در قواعد سیاسی کشورهای خاورمیانه محسوب می‌شود.

اما آنچه در اینجا مهم به نظر می‌رسد تأثیرات ایدئولوژیک جمهوری اسلامی بر تحولات منطقه می‌باشد که سبب شده است که گروه‌های هویت‌گرا و غیره دولتی در کشورهای منطقه تلاش نمایند که از طریق تولید مقاومت به هویت‌گرایی ایدئولوژیک نائل گردند. این امر زمینه ظهور بازیگرانی را فراهم می‌آورد که از طریق هویت مقاومت به نقش‌آفرینی سیاسی و امنیتی در فضای خاورمیانه مبادرت می‌نمایند. هویت مقاومت نشان می‌دهد که گروه‌های اجتماعی تلاش می‌نمایند تا در برابر فشارهای ناشی از سرکوب و سلطه از طریق تشکیل ژئوپلیتیک مقاومت به بازتولید هویت مبادرت نمایند (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۱: ص ۱۰).

در این راستا جمهوری اسلامی ایران تلاش کرده است که فهم و درک مفهوم قدرت در راستای تغییر هویت مقاومتی را در مناطق مختلف جهان و مخصوصاً حوزه خلیج فارس دچار تغییر اساسی کند. تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی هویت مردم منطقه خلیج فارس بر اساس تعاریف مختلف غرب از قدرت شکل می‌گرفت، بدین شکل که بر اساس تفکرات نیچه قدرت به دو شکل کنشگر و واکنشگر می‌باشد. در این رابطه کشورهای غربی در نقش کنشگر و سایر کشورهای دنیا مخصوصاً کشورهای اسلامی در نقش واکنشگر ایفای نقش می‌کردند (افضلی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۸). با توجه به این مفهوم از قدرت هیچ کدام از جریان‌های ملی‌گرایانه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران منجر به شکل‌گیری هویت مقاومت و در نتیجه شکل‌گیری ژئوپلیتیک مقاومت نشد. چراکه این جریان‌ها بیشتر موج واکنشگر به جریان کنشگر قدرت بودن و نه موج کنشگر شکل‌گرفته بدون حضور دیگری. بر این اساس، چون این جریان‌ها به مرحله کنشگری نرسیده بودن نمی‌توانستند خطری جدی برای غرب ایجاد کنند.

امام پیروزی انقلاب اسلامی با محوریت ولایت فقیه و صدور ایدئولوژی مقاومت به مناطق مختلف دنیا سبب شکل گرفتن هویتی جدید در کشورهای مسلمان مخصوصاً شیعه‌نشین منطقه شد و رویکرد هویتی آنان را از رویه ذات‌گرا و برساخت‌گرا به رویه رویکرد گفتمانی تبدیل کرد.

تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی هویت‌سازی در کشورهای منطقه به صورت هویت ناسیونالیستی هم‌چون پان عربیسم و یا بعثیسم بود که مانع از شکل‌گیری امت واحد اسلامی در این منطقه می‌شد چراکه گفتمان‌های آنان در قالب ناسیونالیسم بود و این حس ناسیونالیستی که بیشتر در قالب مسائل فرهنگی و قومی و نژادی خود را نمایان می‌کرد توان و اندیشه لازم را جهت گسترش و مقابله با اندیشه‌های گفتمانی غرب که نشأت گرفته از اندیشه‌های توسعه‌طلبی ارضی راتزل بود را نداشت (همان).

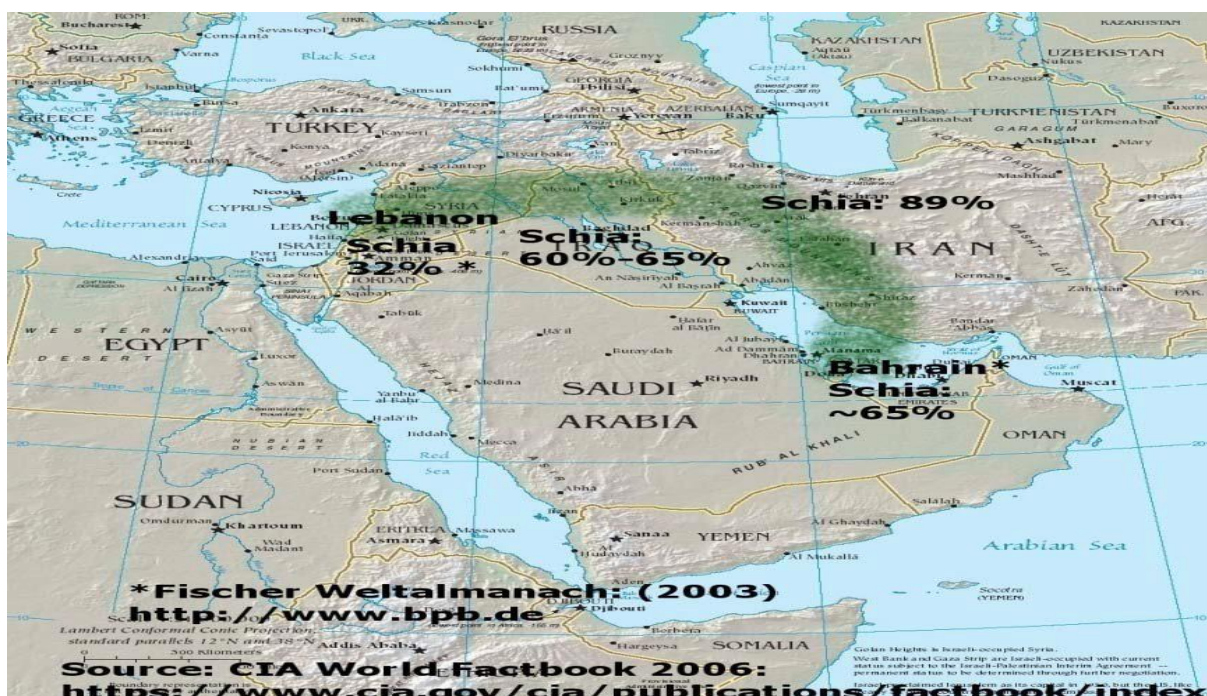
اما پس از پیروزی انقلاب این هویت‌ها جنبه گفتمانی به خود گرفت به صورتی که انقلاب اسلامی از طریق صدور ایدئولوژی خود به کشورهای منطقه مخصوصاً کشورهای شیعه‌نشین موجب شکل‌گیری یک بازنمای فرهنگی بسیار گسترده در صحنه‌های عینی تقابلات ژئوپلیتیکی در این منطقه شد و با کشاندن هویت‌های حاشیه‌ای به صحنه‌ی کارزار موجب تغییر موازنه ژئوپلیتیکی به نفع تشیع با استفاده از بازنمایی فرهنگی نهفته در قلب کشورهای شیعه‌نشین شد و در نهایت این اقدام موجب شکل‌گیری محوری از مقاومت در این کشورها شد که می‌توان از آن با عنوان ژئوپلیتیک مقاومت یاد کرد.

۲- افزایش وزن ژئوپلیتیک شیعیان؛

از ویژگی‌های منحصربه‌فرد شیعیان در خاورمیانه تمرکز جغرافیایی است که به آنان موقعیت استراتژیک بخشیده است و قرار گرفتن در یک امتداد نسبی جغرافیایی باعث شده است تا تحولات در یک جامعه شیعی سریع و بی‌واسطه در میان سایر جوامع شیعی نیز مؤثر واقع شود. حلقه زدن کشورهای با جمعیت شیعی به دور جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک نظام الهام‌بخش و تأثیرگذار، اهمیت دیگری به موقعیت ژئوپلیتیک شیعیان داده است. یکی از علمای پاکستان در این زمینه اظهار داشت که «انقلاب ایران چندین سال شیعیان پاکستان را جلو برد».

در همین خصوص حسنی مبارک در دیدار با دیک چینی گفته بود که «خاورمیانه مانند یوگوسلاوی یا پاناما که آمریکا قبلاً در آن مداخله نظامی داشته نیست، بلکه منطقه‌ای است که شیعیان در آن پراکنده‌اند و ایران به عنوان ستون فقرات شیعیان آن محسوب می‌شود که از هرگونه کار مداخله‌جویانه در این منطقه جلوگیری می‌کنند (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۱: ص ۲۹).

شیعیان اگرچه در مقایسه با دیگر مذاهب اسلامی جمعیت قابل توجهی نیستند، به دلیل نحوه پراکندگی جغرافیایی‌شان در آسیای جنوب غربی، از نظر ژئوپلیتیکی، موقعیت بی‌بدیلی یافته‌اند. در حال حاضر شیعیان بزرگ‌ترین گروه مذهبی را در کشورهای ایران، آذربایجان، بحرین، عراق، عمان و لبنان تشکیل می‌دهند. افزون بر این، در دیگر کشورهای منطقه نیز به صورت اقلیت حضور دارند. در این راستا نکته قابل توجه این است که نوعی پیوستگی جغرافیایی میان جمعیت‌های شیعی منطقه آسیای جنوب غربی، به ویژه در کشورهای حاشیه خلیج فارس وجود دارد. هم‌اکنون ایران با بحرین و بحرین با عربستان سعودی دارای پیوستگی جغرافیایی است، امری که پیشینه تاریخی و فرهنگی آن را تشدید کرده است. در نگاهی جامع‌تر، اگر افزون بر جمعیت‌های شیعی، حکومت‌های شیعی را در نظر بگیریم، اهمیت ژئوپلیتیک شیعه در آسیای جنوب غربی روشن‌تر خواهد شد. دولت شیعی مستقر در عراق و حکومت علویان در سوریه، سبب گسترش ژئوپلیتیک شیعی مد نظر ایران از خلیج فارس تا شامات و دریای مدیترانه شده است. همین امر سبب شده است بسیاری از سیاستمداران با طرح هلال شیعی از پراکنش جغرافیایی و افزایش وزن ژئوپلیتیکی شیعیان در این منطقه نگران باشند (افضلی و کوه شاهی، ۱۳۹۳: ص ۱۸).



عکس شماره ۱: کمر بند موسوم به هلال شیعی.

از منظر ژئوپلیتیک انتقادی، گفتمان ژئوپلیتیک شیعه یعنی گفتمان مقاومت و یا ژئوپلیتیک مقاومت امروزه به رهبری ایران از مرزهای جغرافیایی فراتر رفته و بازیگران سنی، از جمله حماس را نیز در خود جای داده است. بر

اساس ژئوپلیتیک انتقادی، اساساً کشورهای در حال تحول در منطقه، در یک چهارچوب کلی، تحت عنوان فضای واحد قرار دارند و حرکت هر کارگزاری در این فضا، از آنجا که از قرابت گفتمانی با دیگران بهره‌مند است بر رفتار دیگری اثرگذار خواهد بود، و «مقاومت» اصلی‌ترین مؤلفه گفتمانی است که در رفتار انقلابیون همه کشورها موج می‌زند. اگر در گذشته در تبیین هلال شیعی ایران، سوریه، عراق و تا حدودی لبنان جای می‌گرفت در ژئوپلیتیک جدید شیعه، حماس سنی‌مذهب، عنصری مهم خواهد بود، چراکه بر مبنای ژئوپلیتیک انتقادی دیگر مکان مقاومتی وجود ندارد و فضای مقاومتی جایگزین آن شده است و هر حرکتی مبتنی بر مقاومت در منطقه، به افزایش قدرت و وزن ژئوپلیتیک شیعیان منجر خواهد شد (ساسانیان، ۱۳۹۰: ۵).

افزایش وزن ژئوپلیتیکی شیعیان در این منطقه و در نهایت در کل جهان، موجب شد که توجه بسیاری از جهانیان به سمت این مذهب انقلابی و پویا جلب شود به طوری که شیعه امروزه در کانون توجه مطالعات مراکز شرق شناسی است و شیعه‌شناسی یکی از پرجاذبه‌ترین و پرهزینه‌ترین مطالعاتی است که در دپارتمان‌ها صورت می‌گیرد، و شیعه‌شناسی مرکز ثقل اسلام‌شناسی و خاورشناسی شده است، به طوری که اکنون در دانشگاه‌های اسرائیل شامل حیفا، تل‌آویو، باریلا و اورشلیم شیعه‌شناسی یکی از مباحث استراتژیکی و کلیدی این دانشگاه‌ها محسوب می‌شود و این دانشگاه‌ها بر روی شیعه‌شناسی سرمایه‌گذاری بسیار زیادی کرده‌اند و شیعه‌شناسی تبدیل به یک رشته بسیار زنده دنیا شده است (انصاری زاده، ۱۳۹۰: ص ۷۰).

به صورت کلی افزایش وزن ژئوپلیتیک تشیع در جهان و مخصوصاً در منطقه‌ی خلیج فارس به دلیل ایدئولوژی بسیار قدرتمند این مذهب موجب نگرانی‌های اساسی برای غرب شده است، تا جایی که فوازی جرجیس در این باره می‌گوید: اگرچه تهدید نظامی از سوی جهان اسلام از قرن هفدهم متوقف شده بود، چالش فکری و مذهبی اسلام، هم‌چنان بر تصور بسیاری از مردم غرب سایه افکنده است. در چنین فضایی به دلایل آموزه‌های ایدئولوژیکی، تشیع از حساسیت بیشتری برای غرب برخوردار است، چراکه تشیع با اعتقاد به غاصبانه بودن حاکمیت غیره معصوم فقط فقیه واجد شرایط را در کسوت حکومت در زمان غیبت معصوم به صورت ولی فقیه می‌پذیرد و از هرگونه حکومت غیره مسلمان بر مسلمان جلوگیری می‌کند و آن را جایز نمی‌داند. از این رو اعتقاد به همین باور اساس استعمار را به چالش می‌کشد. در این میان غرب از آموزه‌های تشیع ایرانی بیشتر احساس خطر می‌کند به طوری که آمریکا مطرح کرده که هراسش از ایدئولوژی اسلام انقلابی ایران است، زبان رهبر انقلابی ایران خطرناک است، چون فهم رایج از نقش آرام و خاموش مذهب در سیاست را هدف قرار می‌دهد، همین امر موجب شده است که بسیاری از کشورها سخن وی را بپذیرند و تحت تأثیر افکار وی قرار گیرند و همین موضوع یکی از دلایل افزایش قدرت و وزن ژئوپلیتیکی تشیع در منطقه و جهان شده است (جرجیس، ۱۳۸۲: ۲۳۱).

۳- جایگاه مردم و حکومت مردمی در اندیشه‌های متکی به تشیع؛

پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار جمهوری اسلامی در ایران مسائل مهمی را فرا روی تصمیم‌گیرندگان، محققان و دانش‌پژوهان قرار داده است که غالباً در چهارچوب استقرار حکومت، دولت و نظام سیاسی اسلام شکل گرفته است. موضوعاتی، از قبیل جایگاه مردم در حکومت، مشارکت سیاسی، موضع حکومت اسلامی نسبت به شکل‌گیری احزاب سیاسی و نقش آن‌ها در حکومت، ماهیت نظام ولایی و تعامل آن با مردم‌سالاری، کثرت‌گرایی سیاسی در حکومت اسلامی و توسعه سیاسی و رابطه یا تعامل آن با ولایت‌فقیه، برخی از مسائلی بود که پس از تغییر نظام سیاسی در ایران و تشکیل جمهوری اسلامی ایران در محافل داخلی و خارجی مطرح شد (دارابی، ۱۳۹۱: ص ۲).

با پیروزی انقلاب اسلامی دین از بند سیاست‌های سلطه‌طلبان رها شد و مبنای نظم باطل جهان مدرن را بر هم زد. بدین ترتیب در فکر و عمل ثابت کرد که دین می‌تواند و باید دنیای امروز را مهندسی و پیشوایی کند، میدان رسالت و مسئولیت دین است و دین مسئول جهت‌دهی به همه تلاش‌های انسان و جوامع بشری در همه عرصه‌ها، از جمله فردی، اجتماعی، سیاسی و اخلاقی است. اجتماع و فرهنگ در مکتب سیاسی امام(ره) با دین آمیخته و هماهنگ است و یکی از علل خصومت مستکبران و نظام سلطه جهانی با امام و مردم‌سالاری دینی ایران همین تبیین صحیح رابطه دین و دنیا است (حسینی، ۱۳۹۰: ص ۱۶).

همین مسئله در نگاه مقام معظم رهبری به مردم‌سالاری دینی و نقش مردم در حکومت نیز دیده می‌شود. ایشان با بیان این موضوع می‌فرمایند «روش‌هایی که برای کسب قدرت و حفظ آن به کار گرفته می‌شود، باید روش‌های اخلاقی باشند. در اسلام کسب قدرت به هر قیمتی، وجود ندارد. در اسلام روش‌ها بسیار مهم‌اند؛ روش‌ها مثل ارزش‌ها هستند. در اسلام هم‌چنان که ارزش‌ها بسیار مهم هستند؛ روش‌ها هم اهمیت دارند و ارزش‌ها باید در روش‌ها هم خودشان را نشان دهند. امروزه اگر می‌خواهیم حکومت ما به معنای حقیقی کلمه اسلامی باشد، بدون ملاحظه باید در همین راه حرکت کنیم. بر همین مبنا باید در هنگام پذیرش دموکراسی به ملاحظات ارزش آن عنایت داشت چراکه حکومت اسلامی نمی‌تواند در روش‌ها تساهل به خرج دهد و هر روشی را که بخواهد مبنای عمل خود قرار دهد». علاوه بر این ایشان بر این باور هستند که در روش دموکراسی غربی بر خلاف آنچه بیان می‌شود، حق مردم ادا نمی‌شود و در عمل آن‌گونه که باید و شاید، مردم در تعیین سرنوشت خود دخیل و سهیم نیستند. ایشان از اقدامات مزورانه کانون‌های تبلیغاتی غرب و سعی جدی و گسترده آنان در تحریف افکار عمومی، این گونه نتیجه می‌گیرند: «در غرب، علم بود، اما اخلاق نبود؛ ثروت بود، اما عدالت نبود؛ فناوری پیشرفته بود، اما همراه با تخریب طبیعت و اسارت انسان؛ اسم دموکراسی و مردم‌سالاری بود، اما در حقیقت سرمایه‌سالاری؛ امروز هم همین‌طور است امروز در کشورهای غربی و در خود آمریکا، آن چیزی که به نام انتخابات و دموکراسی وجود

دارد، صورت انتخابات است و در باطن حاکمیت سرمایه است». به همین دلیل ضمن اشاره به نواقص و کمبودهای این روش به طور خاص، جریان دموکراسی را در آمریکا هم‌دموکراسی- را به نقد کشانده و ضمن اشاره به انتخابات ریاست‌جمهوری در کشور آمریکا و سعی و کوشش مجامع رسمی در تحریف رأی مردم بیان می‌کنند «دموکراسی حربه‌ای است برای این که ندای عدالت‌خواهی در حلقوم ملت‌های جهان خفه شود؛ برای این که حق مردم فلسطین پامال شود و کسی نفهمد» (خواجه سروی، ۱۳۹۵: ص ۷-۸).

به صورت کلی انقلاب اسلامی توانست با به چالش کشیدن نظام بین‌المللی و قواعد حاکم بر آن، نشان دهد که امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم هر دو در جهت تسلط بر مردمان جهان سوم عمل می‌کنند و ماهیت هر دوی آنان سلطه‌جویانه و مادی‌گرایان است. در نتیجه انقلاب اسلامی در شیوه تعامل میان جهان مستقل و کشورهای سلطه‌جو تحولات عظیمی ایجاد کرد و مرز جدیدی که به قول امام (ره) مرز بین مستضعفان و مستکبران بود را ترسیم نمود (دهشیری، ۱۳۸۵: ۱۴).

بر اساس این تفکر نیروی محرک پیروزی انقلاب اسلامی مردم بودند و مذهب تنها عنصر مشترکی بود که همه نیروهای انقلابی را دور هم جمع کرد. بنابراین پس از انقلاب اسلامی، این عنصر باید مهم‌ترین نقش را در ساختار سیاسی جدید ایران بازی می‌کرد. حکومت اسلامی با رأی مردم به وجود آمد که امروز همراه با اساس ولایت‌فقیه با عنوان مردم‌سالاری دینی یاد می‌شود. در این نگاه مهم‌ترین کارکرد مردم‌سالاری دینی مؤلفه‌ی فرهنگی است. چیزی که مقام معظم رهبری آن را به مثابه «هوا برای تنفس» تعبیر کرده‌اند. چنان که در قدرت نرم، فرهنگ مهم‌ترین حوزه است. اهدافی که این نظام سیاسی دنبال می‌کند، یک ویژگی خاص دارد، اگر حصول به این اهداف پدید نیاید، ناکارآمدی نظام ممکن است به دین نسبت داده شود و الگوی مشروعیت‌بخشی نزد مردم، چه در داخل و چه در خارج، حاصل نشود. کسب نفوذ، از آنجا که قدرت نرم بیشتر بر فرهنگ متمرکز است، نیازمند سپری شدن زمان طولانی است. مردم‌سالاری دینی از زمان روی کار آمدن در بستر تحولات درونی جامعه ایران و خارج، این نفوذ را کسب کرده است. با توجه به تحولات موسوم به بیداری اسلامی و به تعبیر مقام معظم رهبری «پیچ تاریخی در تمدن بشر»، اولین مؤلفه‌ی قدرت نرم ایران برای تأثیرگذاری در این تحولات، نظام سیاسی این کشورها است؛ چراکه این تحولات در کشورهایی رخ می‌دهد که سابقه‌ی مردم‌سالاری نداشته‌اند، اما بستر تمدنی آن را داشتند (یزدانی و همکاران، ۱۳۹۴: ص ۲۷).

بنابراین در عرصه منطقه‌ای، انقلاب اسلامی سبب جوشش جنبش‌ها اسلامی و آزادی‌بخش شد، که برخی از این جنبش‌ها جنبه رادیکالی پیدا کرده و درصدد واژگونی نظام ستمگر خود برآمدند. بعضی جنبه اصلاح‌طلبانه و میانه‌رو پیدا کردند تا با اقدامات اندیشه‌ای در ذهن مردم تحول ایجاد کنند، بعضی دیگر نیز جنبش‌های بودند که

به طور کامل برگرفته از انقلاب اسلامی ایران بودند؛ مانند جنبش حزب‌الله لبنان که ساختار کلی نظام جمهوری اسلامی ایران و ولایت فقیه را درون ایدئولوژی مبارزاتی خود وارد کرد (سایت شیعه شناسی، ۱۳۹۶/۲/۲۹).

به صورت کلی تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، بیداری عمدتاً محصور به حلقه خواص مسلمانان بود. در این میان سید جمال‌الدین اسدآبادی و شاگرد او محمد عبده، عبدالرحمان کواکبی، اقبال لاهوری، حسن البنا و ابوالاعلی مودودی از جمله پیش‌گامان این حرکت بودند و هر یک موجی از بیداری در میان نخبگان و بعضاً توده مردم منطقه خویش ایجاد کردند. اما هر یک به دلایلی از هدف نهایی یعنی بازگرداندن سنن و اخلاق به نظام سیاسی مسلمانان بازماندند.

در این میان امام خمینی(ره)، برای نخستین بار توانست نهضتی از بیداری را آغاز و با موفقیت به انجام رساند. ایشان علاوه بر توجه به وجه معرفتی و نظریه‌پردازی و همچنین بعد اجتماعی و بسیج اجتماعی توده مردم، توجه اساسی خویش را به بعد فرهنگی نهضت معطوف ساخت که نتیجه آن تربیت شاگردانی بود که بعد از ایشان مدیریت و مسئولیت نظام اسلامی را بر عهده گرفتند. و از سوی دیگر تربیت درونی عامه مسلمانان را در پی داشت که اساس و شالوده جامعه اسلامی و بدنه فعال نهضت اسلامی را تشکیل می‌دهند. بالاخره نهضت اسلامی در ایران به ثمر نشست و تنها حکومت اسلامی امت را پدید آورد و اولین منطقه آزاد اسلامی رها از سیطره استبداد داخلی و استعمار خارجی شکل گرفت.

از آن زمان به بعد بیداری اسلامی وارد مرحله جدیدی شد. پیدایش مقاومت اسلامی در لبنان هم‌زمان با اشغال این کشور در سال ۱۳۶۱ و ایجاد اولین انتفاضه فراگیر در فلسطین در سال ۱۳۶۵، معمولی‌ترین آثار صدور انقلاب و بیداری اسلامی بود که چند سال بعد در اوایل دهه نود میلادی در حوزه بالکان (بوسنی و سپس کوزوو) بیداری هر یک از این مناطق بر بیداری کلیه مسلمانان دامن زد و هر یک به شعله‌ای جهت بیدارسازی تدریجی امت در این سال‌ها تبدیل شد. به گونه‌ای دامنه بیداری اسلامی به بیداری انسانی کشیده شده است و به دلیل افزایش جایگاه و وزن ژئوپلیتیکی و ژئوکالچری (فرهنگی)، ایران دیگر نمادهای مقاومت مانند چفیه‌ها و پرچم‌ها فقط در دست مسلمانان نیست، بلکه مسیحیان و حتی کسانی که در عمق استراتژیک کشورهای غربی زندگی می‌کنند، این نمادها را پرچم آزادی‌خواهی و عدالت‌طلبی خویش قرار داده‌اند (خواجeh سروی و یعقوب‌نیا، ۱۳۹۲: ص ۷).

اما پس از رحلت امام خمینی(ره) به زعم بسیاری دامنه این انقلاب فراگیر قطع خواهد شد اما با انتخاب آیت‌الله سید علی خامنه‌ای به عنوان جانشین ایشان، نه تنها این رویه قطع نشد، بلکه با قدرت بیشتر و گسترده‌تری ادامه پیدا کرد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در جایگاه رهبری انقلاب اسلامی و ولایت فقیه در مسیر بیداری اسلامی و هموار

کردن این راه و تبیین و رشد این موضوع، مطالب اساسی، دیدگاه و نکات مهمی ابراز کرده‌اند. به عنوان نمونه ایشان در ترجمه کتاب «آینده در قلمرو اسلام» نوشته سید قطب درباره گرایش به سمت اسلام مخصوصاً در جوانان و ضرورت تحرک مسلمین و هشیاری آنان علیه استعمارگران، نکاتی قابل توجهی را بیان کرده‌اند. همچنین توجه ایشان به بیداری اسلامی در شبه‌قاره هند نیز در ترجمه کتاب «مسلمانان در نهضت آزادی هندوستان» نمونه دیگری از این دغدغه‌های معظم له می‌باشد. مجموعه‌ای این تفکرات موجب شکل‌گیری موج جدیدی پس از دو موج اول بیداری اسلامی یعنی حرکت برخی از علما در کشورهای اسلامی به عنوان موج اول و پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی(ره) به عنوان موج دوم شده است که می‌توان آن را موج سوم بیداری اسلامی این بار به رهبری آیت‌الله خامنه‌ای نامید (نجفی، ۱۳۹۱: ص ۳).

موج سوم بیداری اسلامی در حال حاضر در شمال آفریقا و منطقه خاورمیانه در حال نضج و گسترش است؛ امواج عظیمی که تأثیرات آن حتی فراتر از منطقه راه یافته و الهام‌بخش برخی از حرکت‌های عدالت‌خواهانه و ضد نظام سرمایه‌داری در کشورهای غربی شده است. در حال حاضر موج سوم بیداری اسلامی به پا خاسته است؛ موجی که دامن حکومت‌های دست‌نشانده استبدادی و استعماری را گرفته و در حال سرنگونی آن‌ها است. این تحول و دگردیسی به قدری اساسی و مهم است که موج سوم نه تنها در منطقه خاورمیانه سبب سقوط حکومت‌هایی شده که بیش از سی سال با قدرت و قلدری تمام حکمرانی می‌کردند، بلکه دامن حامیان اصلی آن‌ها در غرب و به قول «فارن» در کتاب مشهورش «دوزخیان روی زمین» کشورهای مرکز را نیز در بر گرفته است (خرمشاد و کیانی، ۱۳۹۱: ص ۵).

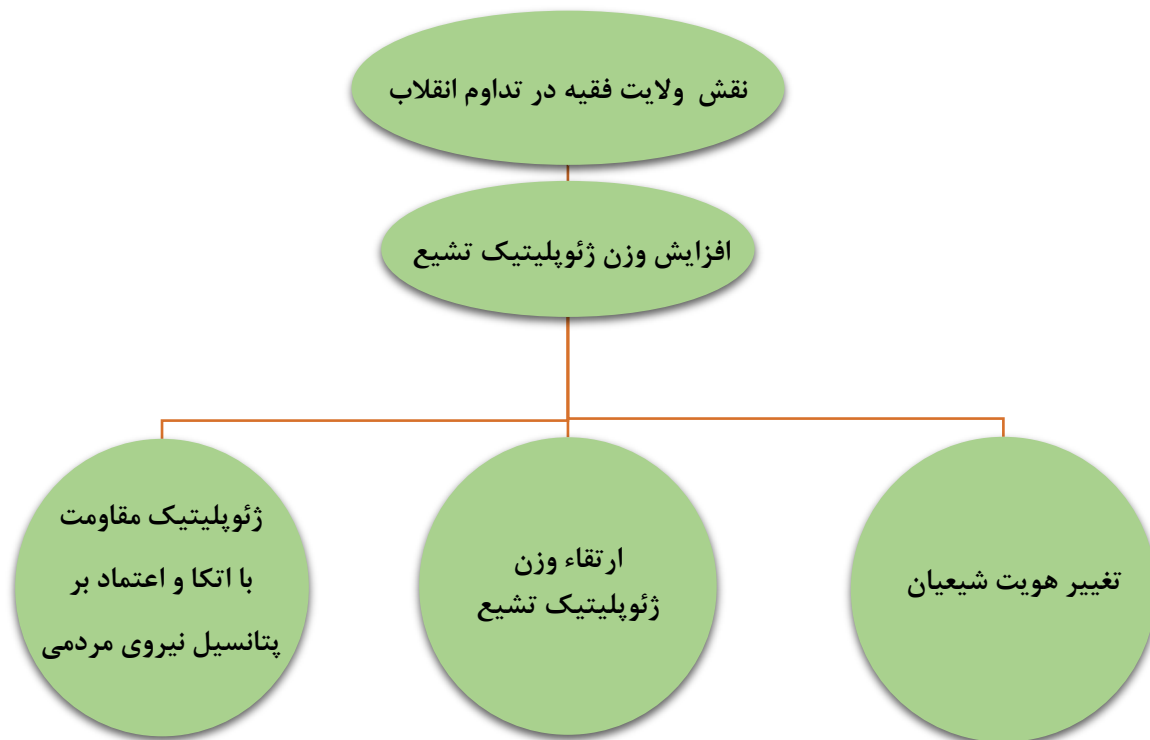
به صورت کلی بیداری اسلامی در جهان اسلام نقطه عطفی در تاریخ معاصر کشورهای اسلامی و جهان است. اگر بخواهیم این روند را از نظر علمی تحلیل کنیم، باید سه سطح تحلیل خرد، میانه و کلان را در نظر بگیریم. در سطح خرد، همان گونه که مقام معظم رهبری فرمودند: «این انقلاب‌ها و قیام‌ها خیزشی از عمق جوامع آگاه و بیدار و معتقد به رسالت اسلامی و انسانی خود است که به واسطه جمود تاریخی و تحمیلی در خواب غفلت به سر می‌بردند». در سطح تحلیل میانه، تغییر حکومت‌های دیکتاتوری و سلطه‌گری است که به واسطه سالیان زیاد، حکومت خود را جاودانه و تغییرناپذیر می‌پنداشتند؛ از این رو با شیوه‌های مختلف، مردم را در جمود فکری و خواب غفلت نگاه می‌داشتند تا بتوانند بدون دردسر حکومت کنند. اما در سومین سطح تحلیل، فروپاشی این حکومت‌ها دلیل بر افزایش وزن ژئوپلیتیکی ایران و میزان تأثیرگذاری آن بر کشورهای اطراف است که موجب تغییر کلان در استراتژی سلطه ابرقدرت‌های غربی در منطقه و سپس در جهان شد. شواهد نشان می‌دهد که خاورمیانه، دیگر منطقه‌ای نخواهد بود که بستری بزرگ برای سلطه آمریکا و منطقه‌ای امن برای رژیم صهیونیستی باشد چرا که

این بار مردم مهم‌ترین عامل در این نهضت‌ها هستند؛ مردمی که به واسطه استعمار غیره مستقیم و دیکتاتورهای مثل مبارک، بن علی، قذافی، علی عبدالله صالح احساس سرخوردگی و تحقیر می‌کردند و از چنین وضعیتی ناراضی و خواهان کرامت و عدالت از دست‌رفته خود بودند. از این روی، با پناه بردن به آموزه‌های نورانی اسلام نشأت گرفته از انقلاب اسلامی و به وسیله مبارزه و شهادت و ایثار از این خواب سنگین زمستانی بیدار شدند و بهار گرم بیداری اسلامی را در آغوش کشیدند (همان، ۱۸).

به‌صورت کلی تحولاتی که از نوایر ۲۰۱۰ پهنه وسیعی از جهان عرب را در بر گرفته و تاکنون نیز ادامه دارد توانسته است معادلات سیاسی و ژئوپلیتیک منطقه را به سود ایران دچار تغییر کند و موجب افزایش وزن ژئوپلیتیک تشیع با رهبری ایران در این منطقه شود. بدون شک وقوع برخی از تحولات از جمله انحلال حکومت بن علی به عنوان رژیم محافظه‌کار مسلمان غیره متخاصم، فروپاشی حکومت مبارک، ظهور و سقوط دولت مرسی، وقوع بحران در مرزهای یهودی با سوریه، لبنان، غزه، مصر و اردن، شکست گفتگوهای صلح با دولت خودگردان فلسطینی که از اواسط سال ۲۰۱۳ آغاز شده بود، ظهور داعش در عراق و سوریه حضور پررنگ ایران و حزب‌الله در صحنه خاورمیانه، جنگ ۵۱ روزه با غزه، رویکرد متغیر و متعارض حماس با کشورهای عربی طرفدار رژیم صهیونیستی و نهایتاً قدرت‌گیری حوثی‌ها طرفدار ایران در یمن، سیاست خارجی و امنیتی تل‌آویو را با تغییر تاکتیکی همراه کرده است. این تغییر به گونه‌ای است که موجب یک عقب‌نشینی تاکتیکی توسط اسرائیل در مقابل ایران، و در نهایت موج ایجاد شده در جهان اسلام است که در بسیاری از کتاب‌ها و مقالات پژوهشی نیز به این موضوع اشاره شده است. در مقاله «خیزش‌های ۲۰۱۱ عرب و امنیت ملی اسرائیل»، نوشته (افرایم انبار)، پس از توضیح تحولات منطقه به تخمین و تحلیل آسیب‌پذیری‌های امنیتی اسرائیل در پرتو این تحولات می‌پردازد. نامشخص بودن رفتار دولت‌های جدید، رشد فعالیت‌ها و احساسات ضد اسرائیلی، تقلیل بازدارندگی اسرائیل، افزایش انزوای منطقه‌ای اسرائیل، ظهور تغییرات غافل‌گیر کننده در حوزه مدیترانه و هسته‌ای شدن ایران، از مهم‌ترین دغدغه‌های رژیم صهیونیستی است که توسط بیداری اسلامی در منطقه تشدید شده است.

و یا مقاله «بهار عربی و دغدغه‌های امنیتی اسرائیل»، (Nabil al-sahli, 2014)، مجموعه مقالات «یک سالگی بهار عربی: الزامات جهانی و منطقه‌ای»، (Guzansky and Heller, 2012)، مقاله «اسرائیل و بهار عربی: درس‌هایی از رفتار و واکنش‌های خاورمیانه جدید» (Berti, 2013)، و مقاله «بهار عربی، طوفان عربی؛ استلزام‌هایی برای اسرائیل» (Schueftan and Singh, 2011)، و کتاب درگیری طولانی: اسرائیل، اعراب و خاورمیانه (Rabinovich, 2011)، اثر «ایتامار رابینوویچ» و مقاله «بهار عربی و درگیری اعراب و اسرائیل: دور باطل واکنش‌های متقابلی منفی» (Asseburg)، که در کتاب بهار عربی و اتحادیه اروپا منتشر شده است نمونه

روشنی از این آثار است در این مقاله به سقوط هم‌پیمانان اسرائیل، اتخاذ موضع امنیتی و تهاجمی در قبال تحولات از سوی اسرائیل و تقویت موضع فلسطینی‌ها به عنوان مواردی که سیاست خارجی اسرائیل را با چالش کشیده اشاره شده است. و آخرین اثر کتابی است با عنوان «تاریخ اسرائیل مدرن» (Shindler, 2013)، نوشته «کالین شینلدر» که روایتی انتقادی و تاریخی از تأسیس رژیم صهیونیستی و چالش‌های این رژیم، جنگ‌ها، رقابت‌های سیاسی داخلی، نقش رهبران صهیونیستی و نهایتاً تأثیر تحولات جهان عرب بر اسرائیل ارائه داده است را نیز می‌توان از جمله آثاری بر شمرد که تغییرات سیاسی - اجتماعی دنیای عرب، پس از سال ۲۰۱۱ و به تبعه آن افزایش وزن ژئوپلیتیکی ایران را به زیان اسرائیل ارزیابی کرده است (دهشیری و مشتاقی، ۱۳۹۴، ۷).



نمودار عملکرد ولایت در افزایش وزن ژئوپلیتیک تشیع

نتیجه‌گیری؛

منطقه خاورمیانه از دیرباز مهد تحولات سرنوشت‌سازی بوده است. بی‌تردید بخش عمده‌ای از این تحولات، متأثر از پیروزی انقلاب اسلامی و عملکرد جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. در این میان شخصیت رهبران ایران مخصوصاً آیت‌الله سید علی خامنه‌ای از لحاظ مدت زمان بیشتر رهبری به عنوان سکان‌دار انقلاب اسلامی و رهبر تئوری پرداز و تصمیم‌ساز نظام، نقشی بی‌بدیلی است. مقوله مقاومت اسلامی و شکل‌گیری ژئوپلیتیک مقاومت به عنوان یکی از شاخص‌های مد نظر ایشان در جایگاه ولایت‌فقیه و رهبری ایران اسلامی در راستای گسترش حوزه نفوذ تشیع و افزایش وزن ژئوپلیتیک تشیع بوده است. نگاه مقاومت در نگاه معظم‌له یک نگاه اعتقادی و قرآنی است که موجب شده است این نگاه به موفقیت چشم‌گیر نظام در عرصه‌های مختلف قدرت نرم و سخت تبدیل شود و نه تنها موجب هراس دشمنان با شنیدن نام جمهوری اسلامی ایران شود بلکه موجب حرکت سایر کشورهای منطقه در جهت دستیابی به استقلال و آزادی خود شده است. بدین ترتیب نقش و جایگاه ایشان که رهبران منطقه و جهان فاقد آن هستند، موجب افزایش قدرت منطقه‌ای و جهانی ایران اسلامی شده و این نقش و نفوذ بیش‌تر از آن‌که رسمی و ظاهری باشد، در قلب مردم مسلمان جای گرفته است و به رغم تبلیغات سوء دشمنان هر روز بر جایگاه و محبوبیت ایشان افزوده می‌شود. ویژگی رهبر ایران این است که در کسوت یک فقیه و عالم دینی، نقش رهبری سیاسی را توأم با بصیرت و روشن‌بینی خاصی بر عهده داشته و نه تنها در ایران بلکه در جهان اسلام و منطقه به ارائه رهنمودهای راهبردی و سیاسی و سرنوشت‌ساز می‌پردازد و همین امر موجب شده است که وزن ژئوپلیتیک تشیع با رهبری ایشان در منطقه و جهان بنا بر دلایل ذکر شده در یافته‌های تحقیق افزایش یابد.

منابع و مأخذ:

۱. احمدی، سید عباس، واثق، محمود، جاسم‌نژاد، مسعود، (۱۳۹۰)، ژئوپلیتیک شیعه و ارتقای جایگاه ایران در خاورمیانه پس از انقلاب اسلامی، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ش ۸۰.
۲. اخوان کاظمی، مسعود، شاه‌قلعه، صفی‌الله، (۱۳۹۳)، بازتعریفی از ژئوپلیتیک شیعه با نگاهی به انقلاب بحرین، فصلنامه علمی - پژوهش شیعه‌شناسی، سال دوازدهم، ش ۴۵.
۳. اسپوزیتو، جان‌ال، (۱۳۸۲)، انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، ترجمه محسن مدیرشانه چی، تهران، انتشارات باز، چاپ سوم.
۴. اطاعت، جواد، (۱۳۷۶)، ژئوپلیتیک و سیاست خارجی، تهران، انتشارات سفیر.
۵. افشردی، محمدحسین، اکبری، حسین، (۱۳۹۲)، تأثیر عوامل ژئوپلیتیکی شیعه بر توسعه نفوذ انقلاب اسلامی، فصلنامه آفاق امنیت، سال ششم، ش ۲۰.
۶. افضل، رسول، بدیعی ازندهای، مرجان، ذکی، یشار، کیانی، وحید، (۱۳۹۳)، قلمروسازی گفتمانی در ژئوپلیتیک، فصلنامه سیاست جهانی، دوره دوم، ش ۴.
۷. افضل، رسول، می‌زاده کوه شاهی، مهدی، (۱۳۹۳)، تبیین ژئوپلیتیکی عدم استقرار دموکراسی در بحرین، فصلنامه علمی - پژوهشی شیعه‌شناسی، سال دوازدهم، ش ۴۸.
۸. انصاری زاده، سلمان، (۱۳۹۰)، تحولات ژئوپلیتیکی منطقه خاورمیانه با تأکید بر سه کشور ایران و لبنان و سرزمین‌های اشغالی فلسطین، تهران، ویستار.
۹. ای جرجیس، فواز، (۱۳۸۲)، آمریکا و اسلام سیاسی، ترجمه سید محمد کمال سروریان، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۰. بدری فر، منصور، (۱۳۷۶)، جغرافیای انسانی ایران، انتشارات پیام نور، چاپ اول.
۱۱. پیشگاهی‌فرد، زهرا، قدسی، امیر، (۱۳۸۸)، نقش‌آفرینی ضد ژئوپلیتیک در اندیشه‌های ژئوپلیتیکی، فصلنامه جغرافیای آمایش، ش ۷.
۱۲. پیشگاهی‌فرد، زهرا، قدسی، امیر، (۱۳۸۹)، نشانه‌شناسی فرهنگی و بازتولید قدرت در گفتمان ژئوپلیتیک پست‌مدرن، فصلنامه مطالعات میان فرهنگی، سال ششم، ش ۱۴.
۱۳. توال، فرانسوا، (۱۳۷۶)، ژئوپلیتیک شیعه، ترجمه کتایون باصر، تهران، ویستار.
۱۴. توال، فرانسوا، (۱۳۷۹)، ژئوپلیتیک شیعه، ترجمه علیرضا قاسم آقا، تهران، آمن.
۱۵. حافظ‌نیا، محمدرضا، احمدی‌پور، زهرا، بویه، چمران، (۱۳۹۱)، انقلاب اسلامی ایران و پیدایش ژئوپلیتیک جدید ایران، فصلنامه علمی - پژوهشی «پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی»، سال دوم، ش ۵.

۱۶. حسینی، سیدرضا، (۱۳۹۰)، الگوی مردم‌سالاری دینی و نسبت آن با بیداری اسلامی، جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دوم، ش ۲.
۱۷. حلال‌خور، مهرداد، باباجان‌نژاد، محمدمهدی، (۱۳۹۰)، تأثیر ایدئولوژی بر تناسب کاربرد قدرت سخت و نرم در سیاست خارجی خاورمیانه‌ای ایالات متحده آمریکا (مطالعه موردی اعراب - اسرائیل)، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی دانشگاه آزاد واحد شهرضا، شماره نهم.
۱۸. خرمشاد، محمدباقر، کیانی، نیما، (۱۳۹۱)، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم ش ۲۸.
۱۹. خواجه‌سروی، غلامرضا، (۱۳۹۵)، بررسی مقایسه‌ای مردم‌سالاری دینی در نگاه آیت‌الله خامنه‌ای و آیت‌الله شمس‌الدین، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال پنجم، ش ۱۷.
۲۰. خواجه‌سروی، غلامرضا، یعقوب‌نیا، حسن، (۱۳۹۲)، واکاوی نقش انقلاب اسلامی ایران در بازآرایی بیداری اسلامی عربستان، فصلنامه راهبرد، سال بیست و دوم، ش ۶۷.
۲۱. دارابی، علی، (۱۳۹۱)، مردم‌سالاری دینی و نسبت آن با توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال پنجم، ش ۱۸.
۲۲. دهشیری، محمدرضا، (۱۳۸۵)، دشمن تراشی نومحافظه کاران، همشهری دیپلماتیک، سال اول، شماره ششم، شهریور.
۲۳. دهشیری، محمدرضا، مشتاقی، الله‌کرم، (۱۳۹۴)، بررسی منابع تأثیرگذار بر سیاست خارجی و استراتژی امنیتی رژیم صهیونیستی پس از تحولات بیداری اسلامی، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال دوازدهم، ش ۴۱.
۲۴. ذاکریان، مهدی، حسن‌پور، جمیل، (۱۳۸۸)، تأثیر ایدئولوژی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در مقایسه با جمهوری خلق چین، فصلنامه مطالعات سیاسی، ش ۶.
۲۵. سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۹۴.
۲۶. ساسانیان، سعید، (۱۳۹۰)، تحولات منطقه و توسعه فضایی ژئوپلیتیک شیعه، دفتر پژوهش موسسه فرهنگی هنری خراسان به نقل از سایت: <http://rasad.org/tah-mantaghe-shiiet>.
۲۷. سالار، محمد، (۱۳۸۲)، تأثیرات فرهنگی انقلاب اسلامی در سطوح مختلف فرمانطقه‌ای، مجله اندیشه انقلاب اسلامی، شماره ۷ و ۸.
۲۸. سایت شیعه‌شناسی، ۱۳۹۶/۲/۲۹.
۲۹. ضرغامی، برزین، جواد شوشتری، سید محمد، انصاری‌زاده، سلمان، (۱۳۹۱)، ژئوپلیتیک شیعه یا هلال شیعه (مبانی، اهداف و رویکردها)، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۶، ش ۱.

۳۰. مرکز ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک تاریخ و جغرافیای خلیج فارس، ۱۳۹۶/۲/۱۹.
۳۱. مصلی‌نژاد، عباس، (۱۳۹۱)، هویت‌یابی شیعیان و ژئوپلیتیک نوین خاورمیانه، فصل‌نامه ژئوپلیتیک، سال هشتم، ش ۱.
۳۲. میرحیدر، دره، راستی، عمران، (۱۳۹۱)، رقابت‌های ژئوپلیتیکی تأثیرگذار بر ضلع جنوبی ایران بزرگ و عملکرد حکومت قاجار، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ش ۸۰.
۳۳. نجفی، موسی، (۱۳۹۱)، نظریه بیداری اسلامی بر اساس اندیشه‌های سیاسی مقام معظم رهبری، فصل‌نامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، ش ۲۸.
۳۴. یزدانی، عنایت‌الله، سلطانی، محمدجواد، قاسمی، مصطفی، (۱۳۹۴)، مردم‌سالاری دینی: قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، دوفصل‌نامه علمی - پژوهشی، پاسداری فرهنگ انقلاب اسلامی و قدرت نرم دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)، سال پنجم، ش ۱۲.